رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۱۰، شماره پیاپی ۱۱۵، دی ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(10), 2026

رابطهٔ بین سبک‌های فرزندپروری و خودجرحی بدون قصد خودکشی در نوجوانان با میانجی‌گری سبک‌های هویتی[1]

Relationship Of Parenting Styles and Non-Suicidal Self-Injury in Adolescents: Mediating Role of Identity Styles

زینب خانجانی (نویسنده مسئول)
استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
خلیل اسماعیل‌پور
استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
مطهره ولوی
دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Zeynab Khanjani*
Professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
zeynabkhanjaani@gmail.com
Khalil Esmaeilpour
Professor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
Motahare Valavi
MA Student in Child and Adolescent Clinical Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

چکیده
پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطهٔ بین سبک‌های فرزندپروری و خودجرحی بدون قصد خودکشی در نوجوانان با میانجی‌گری سبک‌های هویتی انجام شد. این پژوهش توصیفی- همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعهٔ آماری این پژوهش را دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطهٔ دوم (پایه دهم تا دوازدهم)، در سنین ۱۴ تا ۱۹ سال شهر بیرجند در سال ۱۴۰۳ تشکیل دادند که از بین آن‌ها ۳۹۷ نفر با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامهٔ سبک‌های فرزندپروری بامریند (PSQ، ۱۹۹۱)، پرسشنامهٔ سبک‌های هویتی بروزنسکی (ISI، ۱۹۸۹) و سیاههٔ خودگزارشی رفتارهای خودآسیب‌رسان کلونسکی و گلن (ISAS، ۲۰۰۹) بود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل مسیر حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که سبک‌های فرزندپروری مختلف (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه) می‌توانند هم به‌طور مستقیم و هم از طریق سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی) به طور غیرمستقیم رفتار خودجرحی در نوجوانان را پیش‌بینی کنند (P<۰/۰۰۱). سبک‌های هویت نیز به‌تنهایی با خودجرحی ارتباط معنادار دارند. بنابراین، سبک فرزندپروری با نقش میانجی سبک هویت، در تبیین خودجرحی نوجوانان نقش مهمی دارد.

واژه‌های کلیدی: *سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های هویتی، خودجرحی بدون قصد خودکشی.*

Abstract
The present study aimed to examine the relationship between parenting styles and non-suicidal self-injury (NSSI) in adolescents, with identity styles as a mediating factor. This descriptive-correlational research employed a path analysis design. The statistical population included male and female high school students (grades 10 to 12), aged 14 to 19, in Birjand in the year 2024. A total of 397 students were selected through multistage cluster sampling. The instruments used in this study included the Parenting Styles Questionnaire (PSQ; Baumrind, 1991), the Identity Style Inventory (ISI; Berzonsky, 1989), and the Inventory of Statements About Self-Injury (ISAS; Klonsky & Glenn, 2009). Data were analyzed using path analysis. The results indicated a good model fit. Findings showed that different parenting styles (authoritative, authoritarian, and permissive) could predict adolescent NSSI both directly and indirectly through identity styles (informational, normative, and diffuse-avoidant) ($p < .001$). Identity styles also had a significant independent relationship with NSSI. Therefore, parenting style plays an important role in explaining adolescent NSSI, with identity style acting as a mediating factor.

Keywords: *Parenting Styles, Identity Styles, Non-Suicidal Self-Injury.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : اردیبهشت ۱۴۰۴** | **پذیرش: اردیبهشت ۱۴۰۴** | **ویرایش نهایی: دی ۱۴۰۴**

[1] * این مقاله مستخرج از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد نویسندهٔ سوم است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

مقدمه

نوجوانی در سراسر جهان مرحله‌ای گذار میان کودکی و بزرگسالی به‌شمار می‌رود و نوجوانان، پرشمارترین گروه سنی جهان را تشکیل می‌دهند (سازمان جهانی بهداشت[1]، ۲۰۲۲). نوجوانان در این دوره به دلیل ترشح هورمون‌ها و رشد سریع بدن در دوران بلوغ دچار تغییرات سریع روانی و عاطفی می‌شوند (لی[2]، ۲۰۲۴) که این تغییرات می‌تواند نوجوانان را در معرض فشارهای روانی و استرس‌های زیادی قرار دهد. این تغییرات می‌توانند موجب سردرگمی، اضطراب، فشارهای اجتماعی و دشواری در مدیریت احساسات و کنترل هیجانات شوند. در چنین شرایطی، ممکن است برخی نوجوانان برای کنار آمدن با این احساسات منفی به خودجرحی پناه ببرند (لیو[3] و همکاران، ۲۰۲۳).

خودجرحی بدون قصد خودکشی[4] به تخریب عمدی بافت بدن، بدون نیت خودکشی اشاره دارد (کلونسکی[5] و همکاران، ۲۰۱۴). بر اساس معیارهای DSM-5، خودجرحی به آسیب عمدی به بدن طی حداقل پنج روز در سال گذشته گفته می‌شود که هدف آن کاهش تنش‌های هیجانی، رهایی از احساسات منفی یا ایجاد حالت‌های مثبت است و معمولاً با مشکلات بین‌فردی، اضطراب، افسردگی، یا نشخوار فکری مرتبط است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا[6]، ۲۰۱۳). پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که خودجرحی در بین نوجوانان شیوع بالایی دارد. طبق پژوهش فارکاس[7] و همکاران در سال ۲۰۲۴، شیوع جهانی رفتارهای خودجرحی بدون قصد خودکشی در نوجوانان حدود ۲۰٪ است. همچنین نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از شیوع بین ۳/۴ تا ۴۰/۵ درصدی خودجرحی بدون قصد خودکشی در نوجوانان ایرانی می‌باشد (ایزکیان و همکاران، ۱۳۹۷). خودجرحی آثار زیان‌بار زیادی دارد که جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و جسمانی زندگی نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این رفتار با افزایش خطر ابتلا به افسردگی و اضطراب همراه است و می‌تواند به اعتیاد به خودجرحی یا افکار خودکشی منجر شود. از نظر اجتماعی، این نوجوانان اغلب منزوی شده یا از سوی همسالان طرد می‌شوند و برچسب‌های منفی دریافت می‌کنند (پارتا[8] و همکاران، ۲۰۲۳). هم‌چنین، خودجرحی باعث ایجاد زخم‌های ماندگار و خطر عفونت‌های جدی می‌شود که سلامت جسمانی را تهدید می‌کند (کلونسکی و همکاران، ۲۰۱۱).

خودجرحی در دورهٔ نوجوانی رفتاری چندعاملی است که تحت تأثیر عوامل فردی، اجتماعی و خانوادگی قرار دارد. در این میان، خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین بافت رشد، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و تداوم این رفتار دارد؛ به‌ویژه کیفیت روابط والد-فرزند و میزان حمایت عاطفی موجود در محیط خانواده می‌تواند در افزایش یا کاهش احتمال بروز خودجرحی مؤثر باشد (تونسند[9] و همکاران، ۲۰۲۱). یکی از مؤلفه‌های مهم محیط خانواده، سبک فرزندپروری[10] است (فونگ[11] و همکاران، ۲۰۲۲). سبک فرزندپروری به مجموعه‌ای از نگرش‌ها، رفتارها و الگوهای تعاملی والدین اطلاق می‌شود که نحوهٔ پاسخ‌دهی به نیازهای عاطفی، شناختی و رفتاری فرزند و شیوهٔ اعمال نظم و انضباط را تعیین می‌کند (ساهیتیا[12] و همکاران، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین سبک‌های فرزندپروری و بروز مشکلات رفتاری در فرزندان ارتباط معناداری وجود دارد (ردماچر[13] و همکاران، ۲۰۲۵) و سبک‌های فرزندپروری نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای پرخطر در فرزندان دارند (شیرافکن اجیرلو و همکاران، ۲۰۲۲). در واقع، نوجوانانی که والدینشان زمان بیشتری را صرف پرورش، همراهی و حمایت از آن‌ها می‌کنند، کمتر در معرض گرایش به رفتارهای پرخطر و ناسازگارانه‌ای مانند خودجرحی قرار می‌گیرند (کنینگ و وت[14]، ۲۰۲۴). ییینگ[15] و همکاران (۲۰۲۱) گزارش کردند که استفاده والدین از تنبیه خشن، اعمال کنترل افراطی و انکار رفتارهای منفی والدگری با بروز خودجرحی در نوجوانان رابطهٔ مثبت دارد. همچنین پژوهش فونگ و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که به کارگیری سبک فرزندپروری مستبدانه که با حمایت روان‌شناختی پایین، کنترل روان‌شناختی بالا و کنترل واکنشی والدین همراه است، با شیوع بالاتر خودجرحی در

1- World Health Organization
2- Li
1-Liu
2 - Nonsuicidal Self-Injury
3- Klonsky
4- American Psychiatric Association
5- Farkas
6- Patra
7- Townsend
8- Parenting Styles
9 - Fong
10- Sahithya
11- Rademacher
12- Koning & Voogt
13- Ying

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

نوجوانان رابطهٔ مثبت دارد و سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه با کاهش خطر خودجرحی مرتبط است. با این حال، در برخی دیگر از پژوهش‌ها، رابطهٔ میان سبک‌های فرزندپروری و رفتارهای خودجرحی ضعیف یا غیرمعنادار گزارش شده است (اسپیر[1]، ۲۰۱۳).

با وجود شواهد گسترده دربارهٔ تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر رفتارهای پرخطر نوجوانان، از جمله خودجرحی، بسیاری از پژوهش‌ها به روابط مستقیم میان این دو متغیر بسنده کرده‌اند و کمتر به سازوکارهای روان‌شناختی‌ای پرداخته‌اند که این رابطه را تبیین می‌کنند. در حالی که درک عمیق‌تر از چگونگی اثرگذاری فرزندپروری مستلزم شناسایی متغیرهایی است که این رابطه را میانجی‌گری می‌کنند. از این‌رو، بررسی متغیرهای واسطه‌ای می‌تواند در طراحی مداخلات مؤثرتر و هدفمندتر نقش مهمی ایفا کند. در این میان، سبک‌های هویتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازه‌های تحولی، هم تحت‌تأثیر کیفیت تعاملات والد-فرزند شکل می‌گیرند و هم می‌توانند در شیوه مواجهه نوجوان با تنش‌ها، تنظیم هیجانات و بروز رفتارهای پرخطری چون خودجرحی نقش مهمی ایفا کنند (دینگ[2] و همکاران، ۲۰۲۴ و میسلر و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، سبک‌های هویتی می‌توانند سازوکاری روان‌شناختی را فراهم کنند که از طریق آن، تأثیر سبک‌های فرزندپروری والدین بر احتمال بروز خودجرحی در نوجوانان معنا یابد.

هویت و هویت‌یابی یکی از مفاهیم مهم مرتبط با نوجوانی است؛ به‌طوری‌که اریکسون از تشکیل هویت به‌عنوان تکلیف مهم این دوره یاد می‌کند. هویت‌یابی عبارت است از اینکه نوجوان مشخص کند چه کسی است، برای چه چیزی ارزش قائل است و تصمیم گرفته است چه مسیری را در زندگی دنبال کند (برک[3]، ۲۰۱۴). یکی از معروف‌ترین مدل‌ها در زمینهٔ سبک‌های هویتی توسط بروزنسکی[4] (۱۹۸۹) ارائه شده است. مدل سبک‌های هویتی بروزنسکی سه سبک را شامل می‌شود: اطلاعاتی[5]، هنجاری[6] و سردرگم/اجتنابی[7]. افراد دارای سبک اطلاعاتی به‌صورت آگاهانه و فعال به جستجوی اطلاعات پرداخته و بر اساس ارزیابی منطقی تصمیم‌گیری می‌کنند. در مقابل، افراد با سبک هنجاری، ارزش‌ها و باورهای دیگران و گروه‌های مرجع را بدون بررسی شخصی، درونی می‌سازند و واکنشی عمل می‌کنند. افراد دارای سبک سردرگم/اجتنابی نیز با اهمال‌کاری، تأخیر در تصمیم‌گیری و استفاده از راهبردهایی مانند اجتناب و دلیل‌تراشی در مواجهه با موقعیت‌های دشوار شناخته می‌شوند (بروزنسکی، ۱۹۸۹). طبق شواهد پژوهشی، وجود مشکل در هویت‌یابی می‌تواند خودجرحی در نوجوانان را پیش‌بینی کند (صفارپور و همکاران، ۱۴۰۰). به عبارت دیگر آشفتگی‌های هویتی می‌توانند در بروز رفتارهای خودجرحی تأثیرگذار باشند (ریمن[8] و همکاران، ۲۰۲۱) و نوجوانانی که درگیر خودجرحی هستند، در مقایسه با افرادی که این رفتارها را انجام نمی‌دهند، تعارض هویتی بیشتری دارند (توخی[9] و همکاران، ۲۰۲۲). طبق پژوهش بیولنز[10] و همکاران در سال ۲۰۲۳، نوجوانانی که در مورد هویت خود سردرگم هستند، گرایش بیشتری به خودجرحی دارند. همچنین بین سبک هویت هنجاری و هویت اطلاعاتی با رفتارهای خود آسیب‌رسان رابطهٔ منفی و بین سبک هویتی سردرگم و رفتارهای خود آسیب‌رسان رابطهٔ مثبت وجود دارد (صفارپور و همکاران، ۱۴۰۰). با اینکه در برخی مطالعات، تأثیر مستقیم سبک‌های هویتی سردرگم و اجتنابی بر افزایش رفتارهای خودجرحی گزارش شده است، در برخی دیگر این رابطه ضعیف یا غیرمعنادار بوده است (گو[11] و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، انتخاب سبک‌های هویتی به‌عنوان متغیر میانجی در این پژوهش بر مبنای شواهد نظری و تجربی صورت گرفته است و می‌تواند به تبیین دقیق‌تر ارتباط میان سبک‌های فرزندپروری و خودجرحی در نوجوانان کمک کند. این نگاه واسطه‌محور، فراتر از توصیف یک رابطهٔ ساده، بر فرایندهای روان‌شناختی زیربنایی تأکید دارد و زمینه‌ساز اقدامات پیشگیرانه و ارتقایی مؤثرتر در سطح خانواده و آموزش‌وپرورش خواهد بود.

تاثیر سبک فرزندپروری بر سبک‌های هویتی نیز نکتهٔ ظریفی است که باید به آن توجه شود. در واقع سبک فرزندپروری علاوه بر خودجرحی، در شکل‌گیری سبک‌های هویتی نوجوانان نیز تأثیر دارند و می‌توانند ابعاد مختلف هویت آن‌ها را پیش‌بینی کنند (دینگ و همکاران، ۲۰۲۴). بر این اساس فرزندپروری مقتدرانه با هویت سالم رابطهٔ مثبت دارد (باباپور و همکاران، ۱۳۹۰). در این سبک فرزندپروری، والدین با فراهم‌کردن فرصت کاوش و تقویت حس خودمختاری در فرزندان، به شکل‌گیری مطلوب هویت شخصی آن‌ها کمک می‌کنند

1- Spear
1- Ding
3 - Berk
4 - Berzonsky
4- Informational Style
5- Normative Style
6- Diffuse-Avoidant Style
7- Raemen
9 - Toukhy
9- Buelens
10- Gu

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

(لابوویتی[1]، ۲۰۱۵). همچنین مطالعات بروزنسکی نشان می‌دهد که بین فرزندپروری مستبدانه با هویت زودرس و فرزندپروری سهل‌گیرانه با هویت سردرگم نیز رابطهٔ مثبت وجود دارد (بروزنسکی، ۲۰۰۴).

بنابراین به نظر می‌رسد خودجرحی نتیجهٔ شکست در زنجیره‌هایی از فرآیندهای رشدی باشد. ارتباط ناسالم والدین و فرزندان می‌تواند شکل‌گیری هویت را مختل کرده و باعث افزایش سردرگمی هویت شود. فقدان خودپندارهٔ ثابت که از نتایج عدم تشکیل هویت است، هیجانات شدیدی را برمی‌انگیزد. در نتیجه با توجه به توانایی از پیش مختل شده در تنظیم هیجانات، این افراد ممکن است برای کاهش وضعیت بیش‌برانگیختگی به رفتارهای خودتخریبی مانند خودجرحی روی آورند (گاندی و همکاران، ۲۰۱۹).

در باب اهمیت و ضرورت پژوهش می‌توان گفت که با توجه به شیوع بالای خودجرحی، تأثیرات منفی آن بر ابعاد مختلف زندگی و نیز ارتباط آن با اختلالاتی چون اضطراب و افسردگی (نیو[2] و همکاران، ۲۰۲۴)، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است. همچنین تأیید نقش سبک‌های فرزندپروری و هویتی در خودجرحی می‌تواند به طراحی مداخلات مؤثر، تقویت هویت‌یابی نوجوانان و تدوین برنامه‌های حمایتی برای ارتقای سلامت روانی و اجتماعی کمک کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر سبک‌های هویتی به‌عنوان متغیر میانجی، در پی آن است که به تبیینی دقیق‌تر از رابطهٔ میان سبک‌های فرزندپروری و خودجرحی در نوجوانان دست یابد و زمینه را برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و ارتقایی مبتنی بر سازوکارهای تحولی فراهم سازد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی–همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعهٔ آماری شامل دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوم (پایه‌های دهم تا دوازدهم) شهر بیرجند در سال ۱۴۰۳، در بازهٔ سنی ۱۴ تا ۱۹ سال بود. با توجه به وجود ۲۰ خرده‌مقیاس در ابزارهای پژوهش و رعایت نسبت ۱۵ نمونه به ازای هر متغیر (سرمد و همکاران، ۱۳۸۶)، حداقل حجم نمونهٔ ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد که در نهایت ۳۹۷ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند. ابتدا پس از دریافت معرفی‌نامه از آموزش‌وپرورش بیرجند، از میان مدارس متوسطه دورهٔ دوم دخترانه و پسرانه، ۶ مدرسه به‌صورت تصادفی و در هر مدرسه نیز دو کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل قرار داشتن در بازهٔ سنی ۱۴ تا ۱۹ سال، تحصیل در پایه دهم تا دوازدهم، توانایی پاسخ‌گویی به پرسشنامه و تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، عدم ابتلا به اختلالات شدید روان پزشکی و سابقه بستری بر اساس خود اظهاری شرکت کنندگان بود. در مقابل، ملاک‌های خروج شامل عدم تکمیل بیش از ۱۰ درصد از پرسشنامه و انصراف از ادامهٔ همکاری بود. تمامی مراحل پژوهش با رعایت ملاحظات اخلاقی انجام گرفت؛ از جمله کسب رضایت آگاهانه از دانش‌آموزان (و در صورت نیاز از والدین)، تضمین محرمانگی اطلاعات، اختیار شرکت یا انصراف در هر مرحله از پژوهش، و ارجاع موارد پرخطر به مشاور مدرسه. در نهایت، داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل مسیر و به کمک نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شد.

ابزار سنجش

پرسشنامهٔ سبک‌های فرزندپروری بامریند[3] (PSQ): این پرسشنامه بر پایهٔ نظریهٔ سبک‌های فرزندپروری بامریند[4] (۱۹۹۱) تهیه شده و شامل ۳۰ ماده است که به ارزیابی سه سبک مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه (هر کدام با ۱۰ سؤال) می‌پردازد. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از صفر (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) سنجیده می‌شوند. نمرهٔ هر سبک از مجموع امتیازهای مربوط به همان زیرمقیاس به دست می‌آید و نمرات بالاتر نشان‌دهنده استفاده بیشتر از آن سبک فرزندپروری است. دارلینگ و تویوکوا[5] (۱۹۹۷) روایی محتوایی فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه را به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲ و ۰/۸۸ و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۵ و ۰/۸۲ گزارش کردند. بوری[6] (۱۹۹۱) پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی، طی بازه زمانی دو هفته‌ای، بین ۰/۸۱ تا ۰/۹۲ گزارش کرده است. اسفندیاری (۱۳۷۴) نیز برای بررسی روایی صوری پرسشنامه، از نظرات ۱۰ نفر از متخصصان روان‌شناسی و روان‌پزشکی بهره گرفت. همچنین برای سنجش پایایی بازآزمایی، پرسشنامه را با فاصله یک هفته توسط ۱۲ نفر از مادران نمونه مورد

1 - Laboviti
2- Niu
3- Parenting Styles Questionnaire
4- Baumrind
5- Darling & Toyokawa
6- Buri

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

مطالعه دوباره اجرا کرد که ضرایب پایایی به ترتیب برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، سبک مستبدانه ۰/۷۷ و سبک مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش شده است (به نقل از ارجمند داورانی و همکاران، ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه ۰/۷۵، مستبدانه ۰/۸۰، سهل گیرانه ۰/۷۷ و برای کل سبک‌های فرزندپروری ۰/۶۶ به دست آمد.

سیاههٔ خودگزارشی خودجرحی کلونسکی و گلن[1](ISAS): سیاههٔ خودجرحی (۲۰۰۹) توسط کلونسکی و گلن[2]ساخته شده و فراوانی و عملکرد رفتارهای خودجرحی بدون قصد خودکشی را ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه از دو بخش رفتاری و کارکردی تشکیل شده است. بخش رفتاری شامل ۷ گویه است. بخش کارکردی شامل دو عامل کارکردهای درون‌فردی (۵ کارکرد) و بین‌فردی (۸ کارکرد دیگر) است و با ۳۹ گویه، سیزده نوع کارکرد را می‌سنجد. این ۱۳ کارکرد یا زیرمقیاس عبارتند از: تنظیم هیجانی، تمایز خود از دیگران، تنبیه خود، مراقبت از خود، ضدتجزیه‌ای، ضدخودکشی، حس‌جویی، تعلق به همسالان، اثرگذاری بین فردی، اثبات قدرت، ابراز آشفتگی، انتقام‌گیری و خودمختاری. گزینه‌های گویه‌ها به صورت لیکرت سه گزینه‌ای تدوین شده‌اند که به صورت ۰ (کاملا غیر مرتبط)، ۱ (تا حدی مرتبط) و ۲ (کاملا مرتبط) درجه‌بندی شده است. بنابراین هر یک از خرده مقیاس‌ها از ۰ تا ۶ نمره‌گذاری می‌شوند. سازندگان سیاهه، برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن، پایایی و روایی ابزار را ارزیابی کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ برای کارکردهای درون‌فردی ۰/۸۷ و برای بین‌فردی ۰/۸۰ گزارش شده است. همچنین، روایی همزمان سیاهه با مقیاس هیجانات منفی (DASS)[3] لویباند و لویباند[4] (۱۹۹۶) بررسی شده و نتایج نشان داد که همبستگی کارکردهای درون‌فردی با افسردگی ۰/۲۵ و با اضطراب ۰/۳۲ و کارکردهای بین‌فردی با افسردگی ۰/۴۱ و با اضطراب ۰/۳۸ بوده که همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند (کلونسکی و گلن، ۲۰۰۹). این سیاهه تنها در یک مطالعهٔ داخلی مورد استفاده قرار گرفته است صفاری‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) این پرسشنامه را روی یک نمونهٔ ۴۰ نفری اجرا و پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ (۰/۷۶) محاسبه کردند. همچنین روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه با استفاده از نظر اساتید بررسی و تایید شده است. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای پرسشنامه خود جرحی ۰/۹۷ به دست آمد.

پرسشنامهٔ سبک‌های هویت برزونسکی[5](ISI): پرسشنامهٔ سبک‌های هویت در سال ۱۹۸۹ توسط برزونسکی و به‌منظور بررسی هویت افراد ساخته و در سال ۱۹۹۲ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی ۴۰ عبارتی است که از ۳ زیر مقیاس جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری و جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی تشکیل شده و مقابل هر عبارت، طیفی ۵ گزینه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) قرار دارد. روایی تاییدی برای این پرسشنامه در پژوهش برزونسکی و همکاران (۲۰۱۳) برای سبک‌های اطلاعاتی (۰/۷۴)، هنجاری (۰/۷۷) و سردرگم/اجتنابی (۰/۷۱) دست آمد که نشان از روایی مناسب برای این پرسشنامه است. وایت و همکاران در سال ۱۹۹۸ برای نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه سبک‌های هویت، آلفای کرونباخ ۰/۵۹، ۰/۷۸ و ۰/۶۴ را به ترتیب برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم- اجتنابی و همچنین آلفای کرونباخ ۰/۷۹ را برای تعهد به دست آوردند (به نقل از غضنفری، ۱۳۸۳). در ایران، سلطانی و همکاران (۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک‌های اطلاعاتی ۰/۸۶، هنجاری ۰/۷۶، اجتنابی ۰/۸۰ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ را گزارش کردند. غضنفری (۱۳۸۳) روایی این پرسشنامه را به دو روش تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی مورد بررسی قرار داد آنان در تحلیل عامل اکتشافی مقدار ضریب KMO را ۰/۸۱ و شاخص کرویت بارتلت را ۱۵/۶۲۹۵ (p<۰/۰۰۱) گزارش داد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای سبکهای هویت اطلاعاتی ۰/۷۴، هنجاری ۰/۷۴ سردرگم اجتنابی ۰/۶۰ و برای کل سبک‌های هویتی ۰/۷۹ به دست آمد.

یافته ها

گروه نمونه شامل ۳۷۹ نفر (۲۰۰ پسر و ۱۷۹ دختر) نوجوان بازهٔ سنی ۱۵ تا ۱۸ سال بودند که ۲ نفر از آن‌ها طی فرایند پالایش داده‌ها از نمونهٔ اولیه کنار گذاشته شدند و تحلیل داده‌ها بر روی ۳۷۷ نفر انجام شد. از مجموع شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر، ۲۰۰ نفر (۵۳/۱ درصد) پسر و ۱۷۷ نفر (۴۶/۹ درصد) دختر بودند. همچنین ۱ نفر از شرکت‌کنندگان ۱۸ سال، ۶۰ نفر ۱۷ سال، ۲۲۵ نفر ۱۶ سال

2- inventory of statements about self-injury
2 - Klonsky & Glenn
4- Depression Anxiety Stress Scale
5- Lovibond & Lovibond
6- Identity Style Inventory

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

و ۹۱ نفر ۱۵ سال سن داشتند. میانگین و انحراف معیار سنی نمونهٔ مورد مطالعه نیز در دختران (۱۶/۰۸±۰/۷۱)، در پسران (۱۵/۷۹±۰/۵۳) و در کل افراد نمونه (۱۵/۹۲±۰/۶۴) به دست آمد.

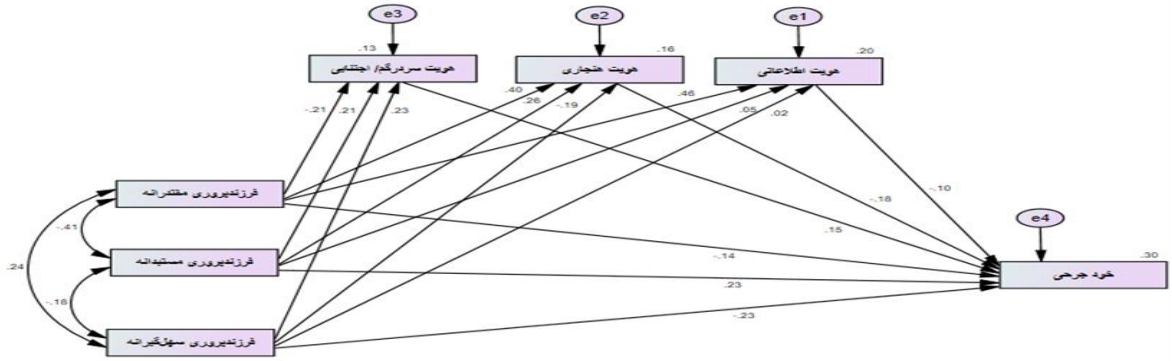
جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
۱-فرزندپروری مقتدرانه	۱							۳۲/۵۸	۴/۶۲	-۱/۲۸	۲/۳۷
۲- فرزندپروری مستبدانه	-۰/۴۱**	۱						۱۳/۰۷	۵/۸۷	۰/۱۶	-۰/۴۸
۳- فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۲۴**	-۰/۱۸**	۱					۱۸/۴۴	۵/۰۱	۰/۱۳	۰/۰۶
۴- هویت اطلاعاتی	۰/۴۴**	-۰/۱۵**	۰/۱۲*	۱				۳۷/۹۴	۶/۳۸	-۰/۶۸	۰/۷۱
۵- هویت هنجاری	۰/۲۵**	۰/۱۳*	-۰/۱۴**	۰/۳۵**	۱			۳۰/۵۱	۵/۰۲	-۰/۶۱	۰/۶۸
۶- هویت سردرگم/ اجتنابی	-۰/۲۴**	۰/۲۵**	۰/۱۴**	-۰/۲۶**	-۰/۱۸**	۱		۲۵/۶۳	۵/۴۸	۰/۱۳	-۰/۲۱
۷- خودجرحی	-۰/۴۱**	۰/۳۶**	-۰/۲۷**	-۰/۳۲**	-۰/۲۱**	۰/۲۶**	۱	۱/۲۲	۲/۱۱	۱/۴۲	۰/۴۲

*: P<۰/۰۵, **: P<۰/۰۱

مندرجات جدول ۱ نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری مقتدرانه و سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری با کاهش خودجرحی رابطه دارند، در حالی‌که سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه و نیز هویت سردرگم با افزایش خودجرحی مرتبط‌اند. به‌طور کلی، بین سبک‌های فرزندپروری و ابعاد هویت با میزان خودجرحی روابط معناداری مشاهده شد.

پیش از اجرای تحلیل مسیر، پیش‌فرض‌های لازم مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی نرمال بودن توزیع تک‌متغیری، شاخص‌های چولگی و کشیدگی استفاده شد. طبق جدول۱ چولگی متغیرها بین ۱/۴۲+ و ۱/۲۸- و کشیدگی آن‌ها بین ۲/۳۷+ و ۰/۴۸- قرار داشت با توجه به اینکه در بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، قدر مطلق چولگی و کشیدگی متغیرها به ترتیب نباید از ۳ و ۱۰ بیشتر باشد، بنابراین پیش‌فرض نرمال بودن تک متغیری نیز محقق شده است؛ بنابراین، پیش‌فرض نرمال بودن برقرار شد. علاوه بر مقادیر گزارش شده در جدول ۱، مقادیر Tolerance بین ۰/۶۲ تا ۰.۸۵ و مقادیر VIF بین ۱/۱۷ تا ۱/۶۱ بودند که نشان‌دهنده نبود هم‌خطی چندگانه است. همچنین، آزمون دوربین-واتسون برای بررسی استقلال منابع خطا مقدار ۱/۶۷ را نشان داد که در بازه مطلوب ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. در نتیجه، پیش‌فرض‌های لازم برای تحلیل مسیر در این پژوهش تأیید شدند.



شکل۱. مدل علّی روابط بین متغیرهای پژوهش در حالت ضرایب استاندارد

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

نتایج مدل بالا نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری مقتدرانه نقش مهمی در تقویت ابعاد مختلف هویت نوجوانان از جمله هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتماعی ایفا می‌کند و بالاترین ضرایب مثبت را در این زمینه دارد. در مقابل، سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه تأثیرات متفاوتی بر ابعاد هویت دارند و در برخی موارد حتی با تضعیف هویت اجتماعی یا ایجاد سردرگمی در هویت همراه هستند. از سوی دیگر، ابعاد هویت به‌تنهایی تأثیر مستقیم و قابل‌توجهی بر رفتار خودجرحی ندارند، اما سبک‌های فرزندپروری، به‌ویژه سهل‌گیرانه، به‌طور مستقیم با کاهش رفتارهای خودجرحی مرتبط هستند.

جدول۲. برآورد ضرایب اثرات مستقیم متغیرها

متغیر برون‌زا	متغیر درون‌زا	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری
فرزندپروری مقتدرانه	خودجرحی	-۰/۱۴	-۰/۰۶	-۲/۴۶	۰/۰۱۴
فرزندپروری مستبدانه	خودجرحی	۰/۲۳	۰/۰۸	۴/۶۱	<۰/۰۰۱
فرزندپروری سهل‌گیرانه	خودجرحی	-۰/۲۳	-۰/۱۰	-۴/۹۲	<۰/۰۰۱
هویت اطلاعاتی	خودجرحی	-۰/۱۰	-۰/۰۳	-۲/۱۰	۰/۰۳۵
هویت هنجاری	خودجرحی	-۰/۱۸	-۰/۰۷	-۳/۷۴	<۰/۰۰۱
هویت سردرگم/ اجتنابی	خودجرحی	۰/۱۵	۰/۰۶	۳/۱۴	۰/۰۰۲
فرزندپروری مقتدرانه	هویت اطلاعاتی	۰/۴۶	۰/۶۳	۸/۹۰	<۰/۰۰۱
فرزندپروری مقتدرانه	هویت هنجاری	۰/۴۰	۰/۴۴	۷/۶۴	<۰/۰۰۱
فرزندپروری مقتدرانه	هویت سردرگم/ اجتنابی	-۰/۲۱	-۰/۲۴	-۳/۸۵	<۰/۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه	هویت اطلاعاتی	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۸۹	۰/۳۷۵
فرزندپروری مستبدانه	هویت هنجاری	۰/۲۶	۰/۲۲	۴/۹۵	<۰/۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه	هویت سردرگم/ اجتنابی	۰/۲۱	۰/۲۰	۳/۹۷	<۰/۰۰۱
فرزندپروری سهل‌گیرانه	هویت اطلاعاتی	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۳۲	۰/۷۴۷
فرزندپروری سهل‌گیرانه	هویت هنجاری	-۰/۱۹	-۰/۱۹	-۳/۸۱	<۰/۰۰۱
فرزندپروری سهل‌گیرانه	هویت سردرگم/ اجتنابی	۰/۲۳	۰/۲۵	۴/۵۷	<۰/۰۰۱

$P \leq ۰/۰۵$

مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد که اکثر مسیرهای مستقیم بین متغیرهای برون‌زا و درون‌زا معنادار هستند. سبک فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه هر سه رابطه معناداری با خودجرحی دارند؛ به‌گونه‌ای که سبک مقتدرانه و سهل‌گیرانه با کاهش خودجرحی و سبک مستبدانه با افزایش آن همراه بوده است. همچنین، هر سه بعد هویت (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی) رابطه معناداری با خودجرحی نشان داده‌اند. در مسیرهای بین سبک‌های فرزندپروری و ابعاد هویت نیز اغلب روابط معنادار بودند؛ به‌جز دو مسیر: فرزندپروری مستبدانه به هویت اطلاعاتی ($P=۰/۳۷۵$) و فرزندپروری سهل‌گیرانه به هویت اطلاعاتی ($P=۰/۷۴۷$) که فاقد معناداری آماری بودند. بنابراین، از مجموع ۱۵ مسیر بررسی‌شده، ۱۳ مسیر معنادار و ۲ مسیر غیرمعنادار هستند.

جدول ۳. اثرات غیرمستقیم با استفاده از روش بوت استراپ

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	حدود بوت استراپ		مقدار اثر	سطح معنی‌داری
			حد پایین	حد بالا		
فرزندپروری مقتدرانه	هویت اطلاعاتی	خودجرحی	-۰/۱۴۶	-۰/۰۳۵	-۰/۰۸۲	۰/۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه	هویت اطلاعاتی	خودجرحی	-۰/۰۳۱	۰/۰۰۹	-۰/۰۰۸	۰/۳۴۰
فرزندپروری سهل‌گیرانه	هویت اطلاعاتی	خودجرحی	-۰/۰۲۳	۰/۰۱۸	-۰/۰۰۳	۰/۷۷۲
فرزندپروری مقتدرانه	هویت هنجاری	خودجرحی	-۰/۱۵۰	-۰/۰۴۷	-۰/۰۹۰	۰/۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه	هویت هنجاری	خودجرحی	-۰/۱۰۰	-۰/۰۳۰	-۰/۰۵۷	۰/۰۰۱
فرزندپروری سهل‌گیرانه	هویت هنجاری	خودجرحی	۰/۰۱۹	۰/۰۷۴	۰/۰۴۲	۰/۰۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

فرزندپروری مقتدرانه	هویت سردرگم/ اجتنابی	خودجرحی	-۰/۰۷۷	-۰/۰۱۴	-۰/۰۳۹	۰/۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه	هویت سردرگم/ اجتنابی	خودجرحی	۰/۰۱۷	۰/۰۷۲	۰/۰۳۹	۰/۰۰۱
فرزندپروری سهل‌گیرانه	هویت سردرگم/ اجتنابی	خودجرحی	۰/۰۱۷	۰/۰۷۷	۰/۰۴۳	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان‌دهندهٔ اثرات غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری بر خودجرحی از طریق ابعاد هویت با استفاده از روش بوت‌استرپ است. بر این اساس، سبک فرزندپروری مقتدرانه از طریق هر سه بعد هویت (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی) اثر غیرمستقیم معناداری بر کاهش خودجرحی داشته است؛ به‌گونه‌ای که تمامی حدود اطمینان بوت‌استرپ در بازه‌ای منفی قرار گرفته و سطح معنی‌داری آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است. همچنین، سبک فرزندپروری مستبدانه نیز از طریق هویت هنجاری و سردرگم/اجتنابی به‌طور معناداری با افزایش خودجرحی ارتباط دارد. با این حال، مسیر غیرمستقیم این سبک از طریق هویت اطلاعاتی با توجه به قرار گرفتن حدود بوت‌استرپ در بازه‌ای شامل صفر (حد پایین: ۰۳۱/۰-، حد بالا: ۰۰۸/۰-) و سطح معنی‌داری بالا (P=۰/۳۴۰) فاقد معناداری آماری است. در مورد فرزندپروری سهل‌گیرانه نیز، اثرات غیرمستقیم از طریق هویت هنجاری و سردرگم/اجتنابی معنادار هستند، اما مسیر آن از طریق هویت اطلاعاتی با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۷۷۲ غیرمعنادار تلقی می‌شود. در مجموع، از ۹ مسیر غیرمستقیم بررسی‌شده، ۷ مسیر معنادار و ۲ مسیر (از طریق هویت اطلاعاتی برای سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه) فاقد معناداری آماری بوده‌اند.
در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	DF	RMSEA	X^2/df	P	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI
مقدار شاخص	۳	۰/۱۰	۴/۹۳	۰/۰۰۱	۰/۹۶	۰/۸۵	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۱
حد پذیرش		<۰/۱۰	<۵	>۰/۰۵	>۰/۹۰	>۰/۸۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰

شاخص‌های ارائه شده در جدول ۴ برازش نسبتاً مطلوب مدل را نشان می‌دهد؛ چراکه مقادیر شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) به‌عنوان شاخص‌های برازش مطلق و مقادیر شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازش هنجارشده (NFI) و شاخص برازش افزایشی (IFI)، به عنوان شاخص‌های برازش تطبیقی در سطح مطلوب قرار دارند. از طرفی با توجه به اینکه هو و بنتلر[1] (۱۹۹۹) مقادیر بین ۰/۰۸ تا ۰/۱۰ ریشهٔ میانگین مجذورات خطای تطبیقی (RMSEA) و مقادیر بین ۳ تا ۵ نسبت مجذور خی بر درجه آزادی (X^2/df) را نشان‌دهندهٔ برازش نسبی مدل می‌دانند و با در نظرگرفتن برازش مطلوب سایر شاخص‌ها می‌توان اذعان نمود که مدل پژوهش حاضر از برازش مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطهٔ بین سبک‌های فرزندپروری و خودجرحی بدون قصد خودکشی در نوجوانان با میانجی‌گری سبک‌های هویتی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های مختلف فرزندپروری اثرات متفاوتی بر رفتار خودجرحی نوجوانان دارند و سبک مقتدرانه به شکل منفی و معنادار و سبک فرزندپروری مستبدانه به شکل مثبت و معنادار بر خودجرحی نوجوانان تاثیر می‌گذارند. این یافته با نتایج ییینگ و همکاران (۲۰۲۱) و کنینگ و وت، (۲۰۲۴) همسو است اما سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به طور مثبت و معنادار با خودجرحی ارتباط داشت که این یافته با پژوهش‌های فونگ و همکاران (۲۰۲۲) ناهمسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که در سبک فرزندپروری مقتدرانه، والدین با حفظ ساختار و پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی، زمینهٔ رشد مهارت‌های تنظیم هیجان و احساس امنیت روانی را در نوجوانان فراهم می‌کنند. این عوامل باعث می‌شود آن‌ها در مواجهه با استرس، کمتر به رفتارهای ناسازگارانه‌ای چون خودجرحی روی آورند. (حسین[2] و همکاران، ۲۰۲۳) در مقابل، سبک مستبدانه که با کنترل سختگیرانه، تنبیه‌محوری و نبود حمایت هیجانی همراه است، می‌تواند منجر به احساس بی‌ارزشی، ناامیدی، خشم سرکوب‌شده و ناتوانی در مواجههٔ سالم با هیجانات منفی شود. از

1- Hu & Bentler
2- Hussain

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

آنجا که خودجرحی اغلب به‌عنوان راهی برای تخلیهٔ فشار روانی، فرونشاندن احساسات منفی شدید یا بازیابی حس کنترل مورد استفاده قرار می‌گیرد، نوجوانانی که در سبک مستبدانه بزرگ شده‌اند، در معرض خطر بیشتری برای استفاده از خودجرحی قرار دارند (سونیو[1] و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین برای تبیین رابطهٔ منفی بین سبک سهل‌گیرانه و خودجرحی و ناهمسویی آن با پیشینه پژوهشی می‌توان گفت که ممکن است این ناهمخوانی ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و زمینه‌ای باشد؛ در نمونه حاضر، به نظر می‌رسد سهل‌گیری والدین همراه با حمایت عاطفی، احترام به استقلال نوجوان و فضای ارتباطی گرم بوده که این ترکیب، به افزایش احساس امنیت روانی و کاهش رفتارهای خودجرحی منجر شده است. همچنین ممکن است نوجوانان، سهل‌گیری والدین را نه به‌عنوان غفلت، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از اعتماد و پذیرش تجربه کرده باشند.

یافتهٔ دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری هر دو رابطه‌ای منفی و معنادار با خودجرحی دارند، در حالی‌که بین سبک هویت سردرگم/اجتنابی و خودجرحی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج صفارپور و همکاران (۱۴۰۰)، توخی و همکاران، (۲۰۲۲) و بیولنز و همکاران (۲۰۲۳) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت نوجوانانی که از سبک هویت اطلاعاتی برخوردارند، معمولاً با خودآگاهی بیشتر، تمایل به پردازش فعال اطلاعات و ارزیابی گزینه‌های مختلف پیش از تصمیم‌گیری شناخته می‌شوند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود در مواجهه با استرس و فشارهای هیجانی، از راهبردهای مقابله‌ای سازگارانه‌تری استفاده کنند و نیاز کمتری به تخلیه هیجانی از طریق خودجرحی داشته باشند (جیوردانو[2] و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین، نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری که بیشتر به پذیرش ارزش‌ها و انتظارات نهادهای مرجع (مانند خانواده یا مذهب) گرایش دارند، در سایه این انطباق‌پذیری، احساس انسجام، تعلق و ثبات بیشتری را تجربه می‌کنند؛ عواملی که می‌توانند احتمال بروز رفتارهای آسیب‌زا از قبیل خودجرحی را کاهش دهند (دلایز[3] و همکاران، ۲۰۲۴). در مقابل، سبک هویت سردرگم/اجتنابی با ویژگی‌هایی نظیر اجتناب از تصمیم‌گیری، ناتوانی در پاسخ‌گویی فعال به مسائل شخصی و نبود انسجام در ارزش‌ها و اهداف مشخص می‌شود. این سبک هویتی، نوجوان را در برابر بحران‌های هیجانی آسیب‌پذیرتر می‌سازد و احتمال بروز احساساتی چون بی‌هدفی، بی‌ارزشی یا درماندگی را افزایش می‌دهد. در این شرایط، خودجرحی ممکن است به‌عنوان یک راهکار موقت برای فرونشاندن هیجانات منفی یا بازیابی حس کنترل مورد استفاده قرار گیرد (بیولنز و همکاران، ۲۰۲۳).

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم/اجتنابی نقش واسطه‌ای در ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و خودجرحی نوجوانان ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت هنجاری شود و از تشکیل هویت سردرگم/اجتنابی جلوگیری کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های گاندی و همکاران (۲۰۱۹) و لیو و همکاران (۲۰۲۴) همسو است. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که نوجوانان در فضایی امن و مبتنی بر اعتماد، ارزش‌ها و قواعد والدین را به‌طور درونی می‌پذیرند. این انسجام هویتی موجب کاهش آشفتگی روانی و کاهش احتمال خودجرحی می‌شود. همچنین، سبک تربیتی مقتدرانه با کاهش احتمال شکل‌گیری هویت سردرگم/اجتنابی که با سردرگمی، بی‌هدفی و ضعف در تنظیم هیجانی همراه است، نوجوان را از گرایش به خودجرحی بازمی‌دارد (بنستولا و همکاران، ۲۰۲۰). در مقابل، سبک فرزندپروری مستبدانه که با کنترل سخت‌گیرانه، تنبیه‌محوری و فقدان ارتباط عاطفی مشخص می‌شود، به‌واسطه افزایش سبک هویت سردرگم/اجتنابی و حتی در سطحی کمتر از طریق سبک هنجاری، اثر غیرمستقیم معناداری بر افزایش رفتار خودجرحی دارد. این مسئله نشان می‌دهد که نوجوانانی که در چنین خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند، درون‌سازی هیجانات منفی، سرکوب خشم و دشواری در تصمیم‌گیری درباره کیستی خود را تجربه می‌کنند که این امر می‌تواند بروز خودجرحی را تسهیل کند (گو و همکاران، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه که در آن والدین حمایت عاطفی زیادی ارائه می‌دهند اما ساختار و انضباط کافی ندارند، نتایج پیچیده‌تری نشان می‌دهد. اگرچه مسیر غیرمستقیم از طریق سبک هویت اطلاعاتی معنادار نبود، اما تأثیرات معناداری از طریق سبک هویت هنجاری و سردرگم/اجتنابی مشاهده شد. این یافته ممکن است به‌دلیل نبود راهنمایی مؤثر برای سازمان‌دهی ارزش‌ها و مسئولیت‌پذیری در نوجوانان باشد که موجب بروز تعارض‌های هویتی، اضطراب تصمیم‌گیری یا تقلید سطحی از ارزش‌های بیرونی می‌شود. در نتیجه، نوجوانانی که در محیط‌های سهل‌گیرانه پرورش می‌یابند، ممکن است علی‌رغم دریافت حمایت عاطفی، در سازمان‌دهی درونی خود دچار سردرگمی شوند که آن نیز با رفتارهایی همچون خودجرحی در ارتباط قرار می‌گیرد (لیو و همکاران، ۲۰۲۴).

3- Suwignyo
4-Giordano
5- De Lise

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش، خودگزارشی بودن ابزارهای گردآوری داده است که می‌تواند تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی، حافظه ناکامل یا درک متفاوت شرکت‌کنندگان از سوالات قرار گیرد. همچنین، با توجه به ماهیت همبستگی و طرح مقطعی پژوهش، امکان نتیجه‌گیری قطعی درباره روابط علّی میان متغیرها وجود ندارد. افزون بر این، نمونه‌گیری از یک جامعهٔ محدود، تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها یا فرهنگ‌های متفاوت را با محدودیت مواجه می‌سازد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش‌های چندمنبعی (مانند مصاحبهٔ بالینی، گزارش والدین و...) به‌عنوان مکمل ابزارهای خودگزارشی استفاده شود تا دقت داده‌ها افزایش یابد. همچنین، بهره‌گیری از طرح‌های پژوهشی طولی یا آزمایشی می‌تواند امکان بررسی روابط علّی بین متغیرها را فراهم آورد. در نهایت، انجام پژوهش‌هایی با نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر از نظر فرهنگی و جغرافیایی می‌تواند به افزایش تعمیم‌پذیری نتایج کمک کند. در بعد کاربردی نیز طراحی برنامه‌های آموزشی برای والدین و کارگاه‌هایی در زمینهٔ خودآگاهی و مدیریت هیجان برای نوجوانان، می‌تواند در کاهش خودجرحی مؤثر باشد.

منابع

ارجمند داورانی، ر؛ موسوی نسب، م.ح؛ و تاشک، الف. (۱۴۰۰). بررسی مدل علّی شیوه‌های فرزندپروری و آمادگی به اعتیاد مواد با نقش واسطه‌ای پرخاشگری و ناگویی خلقی. *خانواده پژوهی*، ۱۷(۳)، ۴۳۹-۴۵۳. https://doi.org/10.52547/JFR.17.3.439

ایزکیان، س؛ میرزائیان، ب؛ و حسینی، س.ه. (۱۳۹۷). بررسی شیوع خودجرحی بدون خودکشی در نوجوانان و جوانان ایرانی. *تعالی بالینی*، ۸(۲)، ۱۴-۲۵. http://ce.mazums.ac.ir/article-1-395-fa.html

باباپورخیرالدین، ج؛ اسماعیلی انامق، ب؛ غلام زاده، م؛ و محمدپور، و. (۱۳۹۱). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویتی نوجوانان. *مجله روانشناسی*، ۱۶(۲)، ۱۶۱-۱۷۵. https://www.sid.ir/paper/475945/fa

برک، ل. (۲۰۱۴). *روانشناسی رشد: از لقاح تا کودکی* (ترجمهٔ یحیی سیدمحمدی، ویراست ششم). تهران: انتشارات ارسباران.

سرمد، ز؛ بازرگان، ع؛ و حجازی، الف. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.

سلطانی، مهری، فولادوند، خدیجه، و فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۹). رابطه هویت و هیجان خواهی با اعتیاد اینترنتی. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۳ پیاپی ۱۳)، ۱۹۱-۱۹۷. https://www.sid.ir/paper/129779/fa

صفارپور، الف؛ قمری، م؛ و حسینیان، س. (۱۴۰۰). نقش میانجی شفقت به خود در رابطه بین سبکهای هویت و رفتارهای خودآسیب‌رسان نوجوانان. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰ (۸) ۱۹۷-۲۰۸. http://frooyesh.ir/article-1-2835-fa.html

صفاری نیا، م؛ نیکوگفتار، م؛ و دماوندیان، الف. (۱۳۹۳). اثر بخشی رفتار درمانی دیالکتیک بر کاهش رفتارهای خود-آسیب رسان نوجوانان بزهکار مقیم کانون اصلاح و تربیت تهران. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۵(۱۵)، ۱۴۱-۱۵۸. https://jcps.atu.ac.ir/article_349.html

غضنفری، الف. (۱۳۸۳). اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (ISI-6G). *مطالعات تربیتی و روان شناسی*، ۵(۱)، ۸۱-۹۴. https://www.sid.ir/paper/99378/fa

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (5th ed.). American Psychiatric Association.

Banstola, R. S., Ogino, T., & Inoue, S. (2020). Impact of Parents' Knowledge about the Development of Self-Esteem in Adolescents and Their Parenting Practice on the Self-Esteem and Suicidal Behavior of Urban High School Students in Nepal. *International journal of environmental research and public health*, *17*(17), 6039. https://doi.org/10.3390/ijerph17176039

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, *11*(1), 56–95.

Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, *4*(3), 268-282. https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/074355488943002

Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence*, *33*(3), 213-220. https://doi.org/10.1023/B:JOYO.0000025320.89778.29

Berzonsky, M. D., Cieciuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: Associations between identity styles and value orientations. *Personality and Individual Differences*, *50*(2), 295–299. https://doi.org/10.1016/j.paid.2010.10.007

Buelens, T., Luyckx, K., Bogaerts, A., Raymaekers, K., & Claes, L. (2023). Longitudinal development of non-suicidal self-injury disorder in adolescence: Prospective prediction of stability and change by identity development, depression, trauma, and resilience. *Journal of affective disorders*, *342*, 210–217. https://doi.org/10.1016/j.jad.2023.08.134

Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, *57*(1), 110-119.

Darling, N., & Toyokawa, T. (1997). Construction and validation of the parenting style inventory II (PSI-II). *Unpublished manuscript*, 89.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

De Lise, F., Luyckx, K., & Crocetti, E. (2024). Identity Matters for Well-Being: The Longitudinal Associations Between Identity Processes and Well-Being in Adolescents with Different Cultural Backgrounds. *Journal of youth and adolescence*, *53*(4), 910–926. https://doi.org/10.1007/s10964-023-01901-8

Ding, Y., Sun, C., & Dong, B. (2024). Effect of parental rearing styles on adolescent ego identity: the mediating role of involutionary attitudes. *Frontiers in psychology*, *14*, 1292718. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1292718

Farkas, B. F., Takacs, Z. K., Kollárovics, N., & Balázs, J. (2024). The prevalence of self-injury in adolescence: a systematic review and meta-analysis. *European child & adolescent psychiatry*, *33*(10), 3439–3458. https://doi.org/10.1007/s00787-023-02264-y

Fong, Z. H., Loh, W. N. C., Fong, Y. J., Neo, H. L. M., & Chee, T. T. (2022). Parenting behaviors, parenting styles, and non-suicidal self-injury in young people: a systematic review. *Clinical child psychology and psychiatry*, *27*(1), 61-81. https://doi.org/10.1177/13591045211055071

Gandhi, A., Luyckx, K., Molenberghs, G., Baetens, I., Goossens, L., Maitra, S., & Claes, L. (2019). Maternal and peer attachment, identity formation, and non-suicidal self-injury: a longitudinal mediation study. *Child and adolescent psychiatry and mental health*, *13*, 7. https://doi.org/10.1186/s13034-019-0267-2-145.

Giordano, A. L., Prosek, E. A., Schmit, E. L., & Schmit, M. K. (2023). Examining coping and nonsuicidal self-injury among adolescents: A profile analysis. *Journal of Counseling & Development*, *101*(2), 214-223. https://doi.org/10.1002/jcad.12459

Gu, H., Ma, P., & Xia, T. (2020). Childhood emotional abuse and adolescent nonsuicidal self-injury: The mediating role of identity confusion and moderating role of rumination. *Child abuse & neglect*, *106*, 104474. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2020.104474

Gu, H., Yao, Y., He, F., & Cheng, Y. (2023). Harsh parenting and adolescent non-suicidal self-injury: A moderated mediation model of alienation and cognitive reappraisal. *Child abuse & neglect*, *141*, 106188. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2023.106188

Hu, L. T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff Criteria for Fit Indexes in Covariance Structure Analysis: Conventional Criteria versus New Alternatives. *Structural Equation Modeling*, *6*, 1-55. http://dx.doi.org/10.1080/10705519909540118

Hussain, M., Iqbal, S., Khan, S., Hamdani, A. R., & Sindhu, Z. M. (2023). Examining the Long-Term Effects of Authoritative Parenting on the Development of Adolescents' Self-Esteem and Emotional-Regulation. *Journal of Population and Therapeutics and Clinical Pharmacology*. *30*(18), 1015-1031. https://doi.org/10.53555/jptcp.v30i18.3221

Klonsky, E. D., & Glenn, C. R. (2009). Assessing the functions of non-suicidal self-injury: Psychometric properties of the Inventory of Statements About Self-Injury (ISAS). *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, *31*(3), 215-219. https://doi.org/10.1007/s10862-008-9107-z

Klonsky, E. D., Muehlenkamp, J. J., Lewis, S. P., & Walsh, B. W. (2011). *Non-suicidal self-injury*. Advances in psychotherapy–evidence-based practice. Hogrefe Publishing.

Klonsky, E. D., Victor, S. E., & Saffer, B. Y. (2014). Nonsuicidal self-injury: what we know, and what we need to know. *Canadian journal of psychiatry. Revue canadienne de psychiatrie*, *59*(11), 565–568. https://doi.org/10.1177/070674371405901101

Koning, I., & Voogt, C. (2024). Adolescents Spending Time with Their Parents: Does It Matter? *Youth*, *4*(2), 556-566. https://doi.org/10.3390/youth4020038

Laboviti, B. (2015). Relations between the parenting styles and identity status of teenagers in Albanian context. *Journal of Educational and Social Research*, *5*(1), 65-72. https://doi.org/10.5901/jesr.2015.v5n1p65

Li, Y. (2024). Effects of Hormonal Changes During Puberty on Cognition and Mood. *Transactions on Materials, Biotechnology and Life Sciences*, *7*, 868-873. https://doi.org/10.62051/cwnnrc05

Liu, J., Wang, Y., Liu, X., Li, J., & Xing, S. (2023). Experiencing stress impact on adolescent repetitive nonsuicidal self-injury: The Mediating role of emotion dysregulation and maladaptive cognitive schemas. *Journal of affective disorders*, *339*, 392–399. https://doi.org/10.1016/j.jad.2023.07.074

Liu, L., Hu, X., Xie, H., Hu, C., Zhou, D., Zhang, J., Kong, Y., & Cheng, F. (2024). The influence of parenting styles and coping strategies on anxiety symptoms in adolescents: a comparative study of groups with and without non-suicidal self-injury behavior. *PeerJ*, *12*, e18378. https://doi.org/10.7717/peerj.18378

Lovibond, P. F., & Lovibond, S. H. (1995). The structure of negative emotional states: comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behaviour research and therapy*, *33*(3), 335–343. https://doi.org/10.1016/0005-7967(94)00075-u

Meisler, S., Sleman, S., Orgler, M., Tossman, I., & Hamdan, S. (2023). Examining the relationship between non-suicidal self-injury and mental health among female Arab minority students: the role of identity conflict and acculturation stress. Frontiers in psychiatry, *14*, 1247175. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2023.1247175

Niu, S., Yin, X., Pan, B., Chen, H., Dai, C., Tong, C., Chen, F., & Feng, X. (2024). Understanding Comorbidity Between Non-Suicidal Self-Injury and Depressive Symptoms in a Clinical Sample of Adolescents: A Network Analysis. *Neuropsychiatric disease and treatment*, *20*, 1–17. https://doi.org/10.2147/NDT.S443454

Patra, B. N., Sen, M. S., Sagar, R., & Bhargava, R. (2023). Deliberate self-harm in adolescents: A review of literature. *Industrial psychiatry journal*, *32*(1), 9–14. https://doi.org/10.4103/ipj.ipj_215_21

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]

Rademacher, A., Zumbach, J., & Koglin, U. (2025). Parenting style and child aggressive behavior from preschool to elementary school: The mediating effect of emotion dysregulation. *Early Childhood Education Journal*, *53*(1), 63-72. https://doi.org/10.1007/s10643-023-01560-1

Raemen, L., Luyckx, K., Palmeroni, N., Verschueren, M., Gandhi, A., Grobler, A., & Claes, L. (2021). Trauma and self-harming behaviors in high school students: The mediating role of identity formation. *Journal of Adolescence*, *92*, 20-29. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2021.08.004

Sahithya, B. R., Manohari, S. M., & Raman. (2019). Parenting styles and its impact on children: A cross-cultural review with a focus on India. *Mental Health, Religion & Culture*, *22*(4), 357-383. https://doi.org/10.1080/13674676.2019.1594178

Shirafkan Ajirloo, S. , Shamshiri, M. and Molaei, B. (2022). Investigation of the Relationship between Spiritual Intelligence, Parenting Styles and Risky Behaviors among High School Students in Meshgin Shahr. *Journal of School Psychology*, *11*(2), 71-82. https://doi.org/10.22098/jsp.2022.1700

Spear, L. P. (2013). Adolescent neurodevelopment. *Journal of Adolescent Health*, *45*(6), 216-223. https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2012.05.006

Suwignyo, Y. H., Usnawati, N., Herlina, T., & Sumaningsih, R. (2024). The Relationship Between Parenting Styles and Self-Harm Behavior in Adolescents. *International Journal of Advanced Health Science and Technology*, *4*(3). https://doi.org/10.35882/ijahst.v4i3.345

Toukhy, N., Ophir, S., Stukalin, Y., Halabi, S., & Hamdan, S. (2022). The relationship between non-suicidal self-injury, identity conflict, and risky behavior among Druze adolescents. *Frontiers in psychiatry*, *13*, 938825. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2022.938825

Townsend, M. L., Miller, C. E., Matthews, E. L., & Grenyer, B. F. S. (2021). Parental Response Style to Adolescent Self-Harm: Psychological, Social and Functional Impacts. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *18*(24), 13407. https://doi.org/10.3390/ijerph182413407

World Health Organization (2022). *Adolescent health*. https://www.who.int/health-topics/adolescent-health

Ying, J., You, J., Liu, S., & Wu, R. (2021). The relations between childhood experience of negative parenting practices and nonsuicidal self-injury in Chinese adolescents: The mediating roles of maladaptive perfectionism and rumination. *Child abuse & neglect*, *115*, 104992. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2021.104992

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.10.41]